



نقش شهرداری تهران در ترویج ابعاد فرهنگی سبک زندگی اسلامی

(نمونه موردی: شهرداری منطقه ۵ تهران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۰ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۳/۳۰

مریم نوذری

دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت شهری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
mm1193@gmail.com (مسئول مکاتبات)

افسانه زمانی مقدم

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران *Afz810@gmail.com*

فاطمه احمدی

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمسار *ahmadi19@yahoo.com*

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: هدف از انجام این تحقیق این است که نقش شهرداری تهران در ترویج ابعاد فرهنگی سبک زندگی اسلامی را تعیین نماییم.

روش پژوهش: در بعد فرهنگی مولفه‌های اخلاق و اوقات فراغت مطرح می‌شود. برای مولفه اخلاق ۴ شاخص و برای مولفه اوقات فراغت ۶ شاخص در نظر گرفته شده است. پرسشنامه‌ای با ۱۶ گویه طراحی شد که شامل دویخش وضعیت مطلوب و موجود است.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد در مولفه اخلاق گویه «افزایش سطح آگاهی مردم در برخورد با خرافه» بیشترین میانگین و گویه «افزایش تمایل جوانان به امر از دواج» کمترین میانگین را دارد. همچنین در مولفه اوقات فراغت، «تقویت برنامه‌های فرهنگسراها» بیشترین میانگین و گویه «معرفی جاذبه‌های طبیعی و تاریخی» کمترین میانگین را دارد.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش بیانگر این است که در وضعیت مطلوب شهرداری در همه‌ی گویه‌های مطرح شده در پرسشنامه دارای نقش می‌باشد اما در وضعیت موجود تحلیل‌های آماری نشان می‌دهد شهرداری تاکنون موفق به ایفای نقش در حوزه‌های مطرح شده در این پژوهش به صورت برجسته نشده است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی اسلامی، شهرداری تهران، فرهنگ، اخلاق، اوقات فراغت

مقدمه

همه رفتار، افکار، احساسات فرد و حرکتش به سوی هدف می‌داند. (مه‌دوی کنی، ۱۳۸۶)

سبک زندگی اسلامی از آن جهت که «سبک» است به رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که «اسلامی» است نمی‌تواند بی ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد. اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم پزشکی و... فقط به رفتار نگاه می‌شود و به نیت‌ها کاری ندارند ولی سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت‌ها کاری نداشته باشد. درعین حال که تاکید آن روی رفتار است، به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد. در واقع در سبک زندگی، می‌شود رفتارها را به مهره‌های متعددی تشبیه کرد که علوم انسانی به خود آن مهره‌ها و بدون ارتباط با عوامل دیگری می‌پردازند، ولی در سبک زندگی اسلامی نه تنها به خود آن مهره‌ها، بلکه به آن چه که سبب ارتباط آن‌ها با هم می‌شود نیز می‌پردازد. (کاوایی، ۱۸:۱۳۹۲)

بیان مسأله

تمام جوامع بشری دارای مجموعه ای ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم هستند که در قالب دین، عرف یا قانون تجلی کرده است و جهت دهنده رفتارهای بشری در برون و درون بوده است و به شکل‌گیری شخصیت افراد و تمایزشان با سایر جوامع کمک می‌کند. به دلیل هویت بخشی که این عوامل بر جوامع دارند هر جامعه ای سعی در حفظ و بازتولید ارزش‌ها و هنجارهایش دارد. این قالب سبک زندگی و نحوه تعامل افراد در زندگی فردی و اجتماعی آشکار می‌گردد. (عبوضی، ۱۳۹۱)

ایرانیان همان طور که در برخی هویت و ارزش‌ها، دچار بحران شده‌اند، در سبک زندگی نیز در ۱۰۰ ساله اخیر به ویژه از دوران روی کار آمدن رضاخان و تجدید امرانه‌اش، دچار دگرگونی‌های بسیار در نگرش‌ها و گرایش‌ها، آداب و رسوم، نظامات و سنن اجتماعی، باورها و حتی باورهای دینی خود گشته و سبک زندگی اسلامی ایرانی دچار تضادها و تناقض‌های بسیار شده است، به نحوی که از جامعه ما یک جامعه شبه مدرن ساخته است که نه می‌توان آن را سنتی و اسلامی نامید و نه

سبک زندگی مفهومی است که نخستین بار توسط آلفرد آدلر مطرح شد. در نیمه دوم قرن بیستم بسیار مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفت. با مطرح شدن مباحثی مربوط به مدرنیته، هویت، اخلاق، محیط زیست و مصرف از سوی جامعه‌شناسان بستر مناسبی جهت رشد مطالعات و تحقیقات تجربی در این زمینه به وجود آمد. این گسترش با محوریت نظریات و آرای جامعه‌شناسانی همچون ماکس وبر^۱، گیدنز^۲، وبلن^۳، بوردیو^۴، پیترسون^۵ و... انجام گرفت. بررسی پیشینه تحقیقات در این زمینه در ایران نشان می‌دهد که سابقه تحقیق در این زمینه به کمتر از بیست سال می‌رسد البته از سال ۱۳۸۰ تاکنون توجه پژوهشگران به این موضوع بیشتر شده است. به علاوه می‌توان گفت که سبک زندگی در زندگی شهری تجلی می‌یابد و فرهنگ شهری نیز سازنده و ایجادکننده‌ی آن است.

در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه اجتماعی به کار رفته است (چاپین^۶ ۱۹۹۵؛ چاپمن^۷ ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بوردیو ۱۹۸۴؛ فدرستون^۸ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لش و یوری^۹ ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روز افزایش می‌یابد (اباذری، ۱۳۸۱).

یکی از راه‌هایی که می‌توان به درک بهتری از مفهوم سبک زندگی از نظر اندیشمندان مختلف دست یافت، بررسی عناصر و مولفه‌هایی است که ایشان برای سبک زندگی بر شمرده یا در تحقیقات خود به عنوان شاخص بهره برده‌اند. عناصری که زیمل، وبلن و ووبر در آثار خود از آنها یاد کرده‌اند، عبارت است از: شیوه تغذیه، خودآرایی (نوع پوشاک و پیروی از مد)، نوع مسکن (دکوراسیون، معماری و اثاثیه)، نوع وسیله حمل و نقل، شیوه‌های گذران اوقات فراغت و تفریح، اطفا (رفتارهای حاکی از نجیب‌زادگی یا دست‌ودلبازی، کشیدن سیگار در محافل عمومی، تعداد مستخدمان و آرایش آنها) (رستمی و اردشیرزاده، ۱۳۹۲). آن چنان که از تعریف آدلر از سبک زندگی معلوم است اوسبک زندگی را شامل

میتوان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این دگرگونی هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است. ازسویی مدیریت شهری که امروزه متناسب با رشد و توسعه شهرداری تمام جهان تکامل یافته است صرفاً مدیریت کالبدی و فیزیکی شهر را برعهده ندارد بلکه هر چیزی که بر زندگی و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد و منجر به تحول حوزه مدیریت شهر می‌شود مورد توجه مدیریت شهری است.

کلان شهر تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست و از نظر اجتماعی و فرهنگی دچار تحولات اساسی شده است و این موضوع برکسی پوشیده نیست. یکی از این موارد، تحول کمی و کیفی سبک زندگی شهروندان است که در پی تحولات مدرنیته در جهان و ایران، ابعاد متنوع و گوناگونی به خود گرفته است. اگر روزگاری کاروشغل، وضعیت طبقاتی افراد جامعه را تعیین می‌کرد، امروزه چرخش فرهنگی خاصی در این زمینه صورت گرفته است، به گونه ای که نوع و میزان مصرف و نیز سبک زندگی شهروندان تا حد زیادی تعیین کننده‌ی وضعیت طبقاتی آنان به حساب می‌آید. (تاج الدین، ۱۳۹۳: ۱۸۱) جدای از ملاحظات نظری و الزامات اسناد فرادستی، مدیریت شهری می‌بایست اقدامات ضروری را انجام می‌داده است. (علی احمدی، ۱۳۹۲: ۱۲)

اهداف تحقیق

هدف از انجام این تحقیق این است که نقش شهرداری تهران در ترویج ابعاد فرهنگی سبک زندگی اسلامی را تعیین نماییم.

سوالات تحقیق

سوال اصلی که با توجه به هدف پژوهش مطرح می‌شود این است که آیا شهرداری تهران در ترویج ابعاد فرهنگی سبک زندگی اسلامی نقش دارد یا خیر و بر این مبنا سوالات ویژه زیر نیز مطرح می‌گردد:

آیا شهرداری تهران در ترویج اخلاق اسلامی نقش دارد؟

آیا شهرداری تهران در ترویج الگوی اوقات فراغت شهروندان بر اساس معیارهای دین اسلام نقش دارد؟

ادبیات پژوهش

مفهوم سبک زندگی اولین بار در سال ۱۹۲۹ توسط آلفرد آدلر^۱، روان‌شناس اجتماعی، مطرح شد. و پس از یک دوره افول، مجدداً از سال ۱۹۶۱ مورد اقبال اندیشمندان به خصوص جامعه‌شناسان قرار گرفت. در ادبیات جامعه‌شناسی از مفهوم سبک زندگی دو برداشت و مفهوم سازی وجود دارد، یکی مربوط به دهه ۱۹۲۰، که سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و غالباً به عنوان شاخص تعیین طبقه

میتوان بر آن نام مدرن نهاد. باید از این دگرگونی هویتی نگران بود. نگرانی در کلام انتقادی ولی امر مسلمین کاملاً قابل درک است. ازسویی مدیریت شهری که امروزه متناسب با رشد و توسعه شهرداری تمام جهان تکامل یافته است صرفاً مدیریت کالبدی و فیزیکی شهر را برعهده ندارد بلکه هر چیزی که بر زندگی و کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد و منجر به تحول حوزه مدیریت شهر می‌شود مورد توجه مدیریت شهری است.

کلان شهر تهران نیز از این قاعده مستثنی نیست و از نظر اجتماعی و فرهنگی دچار تحولات اساسی شده است و این موضوع برکسی پوشیده نیست. یکی از این موارد، تحول کمی و کیفی سبک زندگی شهروندان است که در پی تحولات مدرنیته در جهان و ایران، ابعاد متنوع و گوناگونی به خود گرفته است. اگر روزگاری کاروشغل، وضعیت طبقاتی افراد جامعه را تعیین می‌کرد، امروزه چرخش فرهنگی خاصی در این زمینه صورت گرفته است، به گونه ای که نوع و میزان مصرف و نیز سبک زندگی شهروندان تا حد زیادی تعیین کننده‌ی وضعیت طبقاتی آنان به حساب می‌آید. (تاج الدین، ۱۳۹۳: ۱۸۱) جدای از ملاحظات نظری و الزامات اسناد فرادستی، مدیریت شهری می‌بایست اقدامات ضروری را انجام می‌داده است. (علی احمدی، ۱۳۹۲: ۱۲)

تهران اکنون تحت تأثیر سه فرهنگ ایرانی، اسلامی و مدرن قرار دارد و غفلت از هر یک از این فرهنگ‌ها نتیجه‌ی نامطلوبی در پی خواهد داشت. در تنظیم سبک زندگی ایرانی - اسلامی بخش مدرن آن تاحدودی مورد بی توجهی قرار گرفته است. گویی ایران وارد دوران مدرن نشده است و می‌توان یک سبک زندگی ایرانی - اسلامی خالص را پرورش و رواج داد. نگاهی هرچند گذرا به سبک زندگی ایرانیان و به ویژه شهروندان تهرانی، از حضور آشکار مدرنیته در زندگی آنان خبر می‌دهد. (تاج الدین، ۱۳۹۳: ۱۸۳) بررسی الگوهای سبک زندگی شهروندان امروز یک نیاز است بر همین اساس لازم است تغییرات صورت گرفته در یک زندگی را بررسی کنیم و همچنین تأثیر ساختارهای شهری بر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر این الگوها را ارزیابی کنیم تا با ترسیم یک الگوی مطلوب ایرانی و اسلامی در این خصوص بتوانیم به الگوی مطلوب در جامعه نزدیک شویم.

اهمیت و ضرورت پژوهش

سبک زندگی را می‌توان چهارچوب مشخصی دانست که به مثابه نقشه راه برای آینده بهتر است. این ویژگی

اجتماعی به کار رفته است (چاپین ۱۱ ۱۹۹۵؛ چاپین ۱۲ ۱۹۳۵) و دوم به عنوان شکل اجتماعی نوینی که تنها در متن تغییرات مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد (گیدنز ۱۹۹۱؛ بورديو ۱۹۸۴؛ فدرستون ۱۳ ۱۹۸۷ و ۱۹۹۱؛ لاش و یوری ۱۴ ۱۹۸۷) و در این معنا سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها و نگرش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی روزبه روز افزایش می‌یابد (ابادری، ۱۳۸۱).

جنسن ۱۵ (۲۰۰۷) معتقد است که بیشتر اوقات این مفهوم بدون آنکه به طور دقیق معنای روش زندگی را بدهد، مورد استفاده قرار می‌گیرد و در ادبیات این واژه، به روش‌های مختلف تعریف شده و اینکه در چهار سطح جهانی، ملی، منطقه‌ای و فردی قابل اندازه‌گیری است. فرهنگ علوم اجتماعی سبک زندگی را به نوع زندگی یا نوع معیشت ترجمه کرده که منظور چگونگی جریان حیات و شیوه زندگی انسان‌ها به صورت فردی و گروهی است و چگونگی استفاده از درآمد، طول زمان کار، شیوه لباس پوشیدن، تغذیه، نحوه آرایش، محل سکونت، رفتارهای دینی و فرهنگی و... را شامل می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵). پترسون معتقد است که در دوران جدید الگوی مصرفی بروز کرده است که دیگر اعضای طبقات بالا خود را به داشتن یک الگوی مصرف مشخص محدود نمی‌کنند. او این الگوی مصرف را «همه‌کاره بودن» می‌خواند. در چنین الگوی مصرف جدیدی، طبقات بالا از همه انواع فرهنگ و هنر استفاده کرده و به سلسله مراتب ژانرهای فرهنگی بی‌اعتنا هستند. (فاضلی، ۱۳۸۲). زیمل می‌گوید: سبک زندگی تجسم تلاش انسان است برای یافتن ارزش‌های بنیادی خود و فرهنگ عینی اش و شناساندن آن به دیگران، به سخن دیگر، انسان برای معنای مورد نظر خود (فردیت برتر)، شکل (صورت)‌های رفتاری‌ای بر می‌گزیند. زیمل، توان چنین‌گزینشی را «سلیقه» و این اشکال به هم مرتبط را «سبک زندگی» می‌نامد (زیمل، ۱۹۰۸) و بلن (۱۳۸۶) انگیزش‌های اجتماعی برای رفتار رقابت‌آمیز و چشم و هم‌چشمی را پایه و اساس تبیین پدیده مصرف‌مدرن قرار می‌دهد و با طرح مفهوم طبقه تن‌آسا، مفهوم تمایز طبقاتی که در مصرف تجلی پیدا کرده است را مطرح می‌کند و قدرت مالی و ثروت را مبنای افتخار، منزلت و جایگاه اجتماعی می‌داند. البته وی نقش ذخیره کردن ثروت در کسب افتخار را ضعیف‌تر از نمایش دادن آن می‌داند و معتقد است که برای به دست آوردن و حفظ اعتبار، فقط داشتن ثروت یا قدرت کافی نیست بلکه ثروت و قدرت باید نشان

داده شود، زیرا اعتبار فقط با آشکار کردن آن‌ها به دست می‌آید. وبر واژه سبک زندگی را جهت اشاره به شیوه‌های رفتار، لباس پوشیدن، سخن گفتن، اندیشیدن و نگرش‌هایی که مشخص‌کننده گروه‌های منزلتی متفاوت بودند، به کار گرفت و (تامین، ۱۳۸۳). وبر در تحلیلی چند بعدی به سه مفهوم سبک زندگی یا سبک مند شدن زندگی، تدبیر زندگی و بخت زندگی اشاره می‌کند. وی خصیصه اصلی سبک زندگی را انتخابی بودن آن می‌داند که محدود به برخی مضایق ساختاری است و این محدودیت‌ها اقتصادی و اجتماعی‌اند. وبر کارکرد دو گانه‌ای برای سبک زندگی قایل است. از یک طرف موجب تفاوت بین گروهی می‌شود و به برتری‌های منزلتی و طبقاتی مشروعیت می‌بخشد و از سوی دیگر موجب انسجام بخشیدن درون گروهی می‌شود. کلاکهورن (۱۹۸۵) سبک زندگی را چنین تعریف می‌کند: «مجموعه‌ها یا الگوهای خود آگاه و دقیقاً توسعه یافته ترجیحات فردی در رفتار شخصی مصرف‌کننده» و ویلیام لیزر (۱۹۶۴) در یک جا سبک زندگی را طرز مشخص یا متمایز زندگی کردن گروهی از مردم معرفی می‌کند نظامی که از تاثیر فرهنگ (ارزش‌ها، منابع، نمادها و قوانین) بر نیروهای زندگی در گروه شکل می‌گیرد. بورديو سبک زندگی را نتیجه قابل رؤیتی از ابراز عادت می‌داند از نظر او همه چیزهایی که انسان را احاطه کرده است مثل مسکن، اسباب و اثاثیه، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها و غیره بخشی از سبک زندگی او می‌باشند (پالومتس ۱۶، ۱۹۹۸). بورديو، مطلق سبک را چنین توصیف می‌کند: «سبک بیشترین توانایی را برای ارائه ویژگی‌هایی دارد که همه فعالیت‌ها را در خود خلاصه کرده است (مانند یک معادله که یک منحنی در آن خلاصه شده است) (بورديو، ۱۹۴۸) او سبک زندگی را فعالیت‌های نظام مندی می‌داند که از ذوق و سلیقه فردناشی می‌شوند و بیشتر جنبه عینی و خارجی دارند و در عین حال به صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشند و میان اقشار مختلف اجتماعی تمایز ایجاد می‌کنند. گیدنز (۱۳۸۳) انسان را به عنوان عامل در شکل‌گیری هویتش موثر می‌داند و معتقد است که انسان تحت فشار ساختار اجتماعی سبک زندگی را بیشتر تقلید می‌کند. به نظر او در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از سبک‌های زندگی پیروی می‌کنیم بلکه به تعبیر دیگر ناچار به این پیروی هستیم.

سبک زندگی اسلامی از آن جهت که «سبک» است به رفتاری می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط

زندگی (و بنابراین سبک زندگی) جوانان وجود دارد و رابطه همبستگی بین طبقه اجتماعی والدین پاسخ گو و مسیرهای شغلی - آموزشی از نظر آماری معنا دار است. فردرو (۱۳۷۸) در تحقیقی در یکی از مناطق شهر تهران دریافت که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و مصرف کالاهای فرهنگی رابطه همبستگی معنا داری وجود دارد. تقی آزاد ارمکی و شالچی (۱۳۸۴) نیز در مقاله «دو جهان ایرانی: مسجد و کافی شاپ» با توجه به نظریه بورديو به بررسی مقایسه ای دو سبک زندگی در میان جوانان منطقه ۳ شهر تهران می‌پردازند. محمدی (۱۳۷۸) نیز در مقاله «اخلاق شادی، سبک زندگی» ویژگی‌های یک سبک زندگی را برمی شمرد که شهابی آن را سبک زندگی سنتی و در مقابل سبک زندگی سایرین که متفاوت از گروه قبلی هستند که شهابی آن را سبک مدرن نامیده است (به نقل از شهابی، ۱۳۸۶) محمد کویانی در مقاله ای با عنوان «سبک زندگی اسلامی و ابزارهای سنجش آن» که در سال ۱۳۹۰ در نشریه پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به چاپ رسانده است که هدف از پژوهش وی فراهم ساختن زمینه‌ای برای کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی است. محمدسعیدمهدوی کنی در مقاله ای تحت عنوان «سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی» که در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه‌ی تحقیقات فرهنگی به چاپ رسید، در ابتدا به ارایه تبیینی واژه شناسنامه از این مفهوم، پرداخته و سپس به بررسی ابعاد مفهومی آن در حوزه علوم اجتماعی پرداخته است. افسانه ادیسی و سمانه پالیزبان در تحقیقی تحت عنوان «رابطه خدمات شهری شهرداری و سبک زندگی شهروندان» که در سال ۱۳۸۸ در فصلنامه‌ی نامه پژوهش فرهنگی به چاپ رسیده منظور شناخت رابطه میان خدمات شهری و سبک زندگی شهروندان با هدف بررسی نقش تسهیلات شهری بر شیوه زندگی شهرنشینان به پژوهش پرداختند. نفیسه حمیدی و مهدی فرجی در مقاله ای تحت عنوان «سبک زندگی و پوشش زنان در تهران» که در سال ۱۳۸۷ در فصلنامه تحقیقات فرهنگی به چاپ رسید به دنبال یافتن سبک‌های زندگی متفاوتی هستند که در پوشش زنان در تهران به چشم می‌خورد. سیدحسن سیدپورآذر در مقاله خود با عنوان «مولفه‌های اخلاقی مصرف در سبک زندگی کارگزاران» که در بهار ۱۳۹۲ در فصلنامه مطالعات سبک زندگی به چاپ رسیده است با نگرش توصیفی - تحلیلی به مولفه‌های اخلاقی آیات و روایات و سبک زندگی اهل بیت به بازشناسی مولفه‌های اخلاقی مصرف در زندگی کارگزاران

مستقیم ندارد، ولی از آن جهت که «اسلامی» است نمی‌تواند بی ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد. اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روان شناسی، جامعه شناسی، علوم پزشکی و... فقط به رفتار نگاه می‌شود و به نیت‌ها کاری ندارند ولی سبک زندگی اسلامی نمی‌تواند به نیت‌ها کاری نداشته باشد. در عین حال که تاکید آن روی رفتار است، به حداقل‌های عواطف و شناخت‌ها نیز نظر دارد. در واقع در سبک زندگی، می‌شود رفتارها را به مهره‌های متعددی تشبیه کرد که علوم انسانی به خود آن مهره‌ها و بدون ارتباط با عوامل دیگری می‌پردازند، ولی در سبک زندگی اسلامی نه تنها به خود آن مهره‌ها، بلکه به آن چه که سبب ارتباط آن‌ها با هم می‌شود نیز می‌پردازد. (کویانی، ۱۸:۱۳۹۲)

پیشینه پژوهش

با توجه به گستردگی موضوع سبک زندگی تحقیقات زیادی در این زمینه در کشورهای دیگر و اخیراً در ایران انجام شده است برخی از این پژوهش‌ها به بررسی ادبیات سبک زندگی و مشکلات و ابهاماتی که این واژه دارد، پرداخته اند (مانند جنسن، ۲۰۰۷؛ راسل، ۲۰۰۵). دسته ای از تحقیقات به بعد نگرشی سبک زندگی پرداخته اند و نگرش پاسخ گویان به پدیده‌های خاصی را به عنوان سبک زندگی تلقی کرده اند (لیتل، ۱۷، ۱۹۸۹؛ محمدی، ۱۳۸۶). برخی از تحقیقات تجربی در زمینه سبک زندگی آن را در حد چند عادت یا رفتار خاص ورزشی یا خوردن مواد خوردنی خاص تقلیل داده و اثر آن را بر یک پدیده دیگر مانند بیماری مورد بررسی قرار داده اند (سی دونوگو، ۱۸ و دیگران، ۱۹۹۲؛ مهوس، ۱۹، ۲۰۰۰؛ رکس، ۲۰ و همکاران، ۱۹۹۷؛ گالوباردس، ۲۱ و دیگران، ۲۰۰۳؛ هیمن، ۲۲، ۲۰۰۰؛ میر زمانی و پور اعتماد، ۱۳۸۳؛ استاجی و همکاران، ۱۳۸۵). دسته ای از تحقیقات ضمن اذعان به کلی بودن سبک زندگی و اشاره به شاخص‌های متعدد آن، در عمل فقط به یک بعد و شاخص اکتفا کرده و آن را مورد سنجش قرار می‌دهند (رضوی زاده، ۱۳۸۶؛ شفیع، ۱۳۸۶). لئوبی (۱۳۸۰) در تحقیقی در مورد سبک‌های زندگی جوانان در انگلستان نتیجه گرفت که پیوند عمیقی میان زمینه طبقه اجتماعی و فرصت‌های

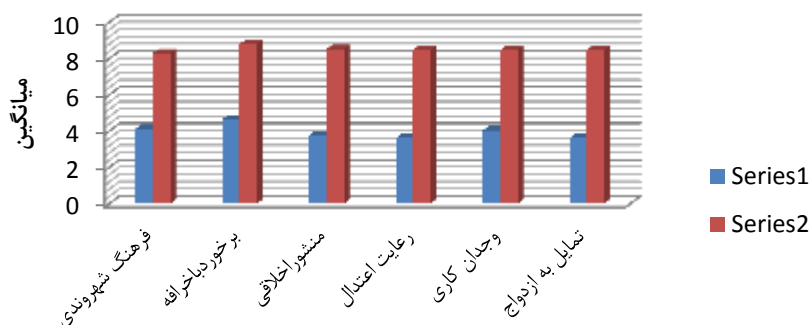
می‌پردازد. فروغ ذائرتاب و الناز میرزایی در مقاله ای با عنوان "بررسی و شناخت عوامل اجتماعی موثر بر چگونگی گذران اوقات فراغت خانواده‌های شهر تهران" که در زمستان ۱۳۹۱ در فصلنامه مطالعات سبک زندگی به چاپ رسیده است باهدف شناسایی و بررسی عوامل اجتماعی موثر در چگونگی گذران اوقات فراغت خانواده‌های شهر تهران، به بررسی فعالیت‌ها و علایق فراغتی خانوارهای ساکن مناطق ۱۵و۵ پرداخته اند. بررسی تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که هر کدام از تحقیقات به یک بعد خاص از سبک زندگی توجه کرده اند و جای خالی یک تحقیق که به ابعاد گوناگون سبک زندگی توجه کرده و بررسی نقش مدیریت شهری بر سبک زندگی پیرامون را بر آن داشت که این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم. البته در این مقاله بخش اندکی از یافته‌های پژوهشی حاصل از این بررسی با هدف تعیین نقش مدیریت شهری ارائه می‌گردد. این مقاله در پی آن است به این سؤال پاسخ دهد که آیا مدیریت شهری در بعد فرهنگی سبک زندگی شهروندان دارای نقش می‌باشد؟

روش تحقیق

روش تحقیق بکار رفته در این مقاله توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد که در فرآیند آن از تکنیک‌های پرسشنامه و مطالعات اسنادی استفاده شده است. در این تحقیق با استفاده از روش‌های ذکر شده به جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پرداخته و در نهایت با استفاده از روش‌های تحلیل توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل مطالب گردآوری شده در نمونه موردی (منطقه پنج شهرداری تهران) اقدام گردیده است. در این تحقیق نقش مدیریت شهری در ترویج بعد فرهنگی سبک زندگی

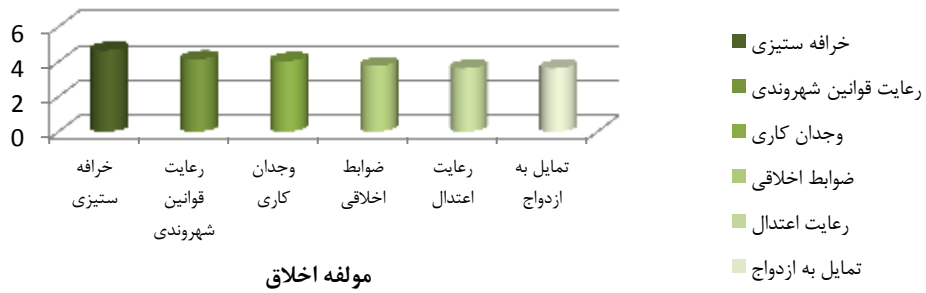
یافته‌های پژوهش

مطابق جدول زیر مشاهده می‌شود که درصد جنسیت زنان ۵۸/۵ و مردها ۴۱/۵ درصد است که نشان می‌دهد درصد مشارکت زنان از مردان در این پژوهش بیش‌تر می‌باشد. بیش‌ترین فراوانی به ترتیب به طیف‌های ۳۰ الی ۴۰ سال (۴۵/۷ درصد)، ۲۰ الی ۳۰ سال (۳۱/۹ درصد)، ۴۰ الی ۵۰ سال (۱۹/۱ درصد) و بیش از ۵۰



گروه های مولفه اخلاق

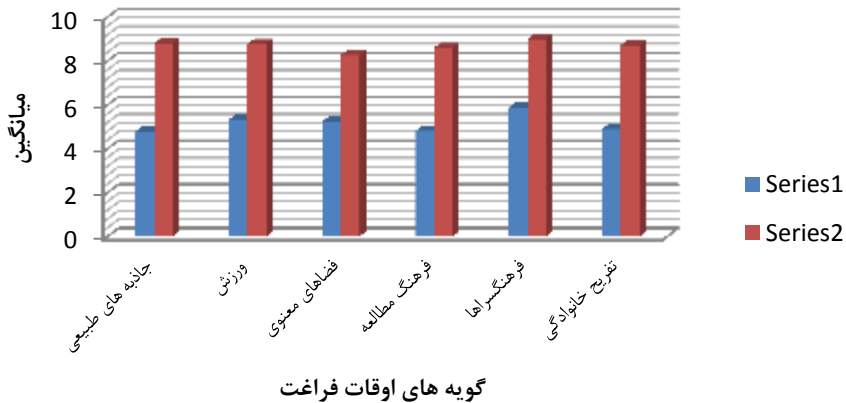
نمودار ۱: نمودار تفاوت میانگین وضعیت موجود و مطلوب مولفه اخلاق



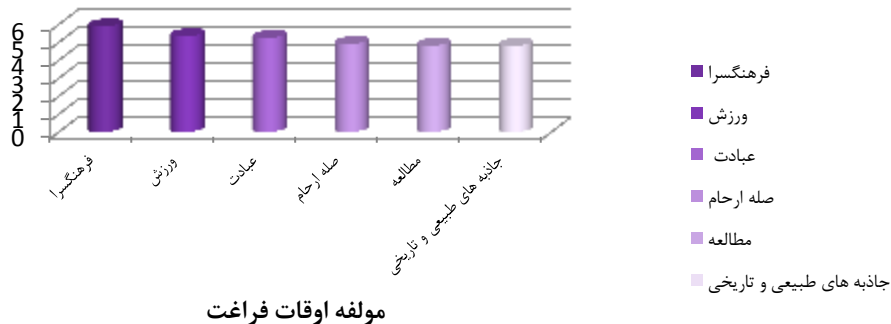
نمودار ۲: اولویت بندی گویه‌های مولفه اخلاق در وضعیت موجود

مربوط به افراد مجرد (۲۷٪) و بیشترین فراوانی مربوط به متاهلین (۳۰٪) بود. نمودار تفاوت میانگین وضعیت موجود و مطلوب و نمودار اولویت بندی شاخص‌های مولفه اخلاق براساس میانگین در وضعیت موجود به صورت نمودار ۱ است. نمودار تفاوت میانگین وضعیت موجود و مطلوب و نمودار اولویت بندی شاخص‌های مولفه اوقات فراغت براساس میانگین در وضعیت موجود به صورت زیر است

سال (۳/۲) درصد اختصاص دارد. بیشترین درصد فراوانی متعلق به طیف ۱ الی ۵ سال (۴۳/۶ درصد) و طیف‌های ۵ الی ۱۰ سال (۳۰/۹ درصد)، ۱۰ الی ۲۰ سال (۱۳/۸ درصد) و بیش از ۲۰ سال (۱۱/۷ درصد) به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند. ۱۶/۰ درصد پاسخگویان دیپلم و فوق دیپلم، ۵۱/۰ درصد لیسانس و ۳۳ /۰ فوق لیسانس و بالاتر بودند. کمترین فراوانی



نمودار ۳: نمودار تفاوت میانگین وضعیت موجود و مطلوب مولفه اوقات فراغت



نمودار ۴: اولویت بندی گویه‌های مولفه اوقات فراغت در وضعیت موجود

جدول ۲: آزمون کلموگروف اسمیرنف بر ای بررسی نرمالیتی سبک زندگی ایرانی اسلامی و ابعاد آن

سبک زندگی ایرانی اسلامی	وضع موجود		وضع مطلوب	
	کلموگروف اسمیرنف	سطح معناداری	کلموگروف اسمیرنف	سطح معناداری
اخلاق	1.17	0.13	1.25	0.09
اوقات فراغت	0.49	0.97	1.13	0.11
سبک زندگی اسلامی ایرانی	0.50	0.96	1.35	0.06

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن و آزمون t بر ای مقایسه

سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن	وضع موجود		وضع مطلوب		آزمون آماری بر ای مقایسه	
	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	t	معناداری
اخلاق	3.93	1.50	8.44	1.58	21.94	0.001
اوقات فراغت	5.14	1.87	8.69	1.48	14.68	0.001
سبک زندگی اسلامی ایرانی	4.38	1.31	8.48	1.33	22.50	0.001

جدول ۴: نتایج آزمون t برای تاثیرگذار ی مدیریت شهری بر بعد اخلاق

T	درجه آزادی	سطح معناداری	ارزش میانگین آزمون = ۵/۵	
			اختلاف میانگین	فاصله ی اطمینان
-10.09	93	0.001	-1.57	-1.87 -1.26

باتوجه به جدول فوق، نتایج آزمون t تفاوت میانگین با ۵/۵ را معنادار نشان داد $P < 0.05$ ، $t = -10.09$ (سطح معناداری مشاهده شده برای آزمون از ۰/۰۵ کمتر بود). میانگین مدیریت شهری بر بعد اخلاق، اعتدال، خرافه ستیزی ۱/۵۷ از ۵/۵ کمتر بود. که این تفاوت معنادار است. این یافته بیانگر این است که از دیدگاه پاسخگویان تأثیر مدیریت شهری بر بعد اوقات فراغت سبک زندگی ایرانی اسلامی معنادار نیست. برای پاسخ به این سوال که آیا مدیریت شهری بر بعد اوقات فراغت سبک زندگی ایرانی اسلامی تاثیرگذار است آزمون زیر انجام شده است:

جدول ۵: نتایج آزمون t برای تاثیرگذار ی مدیریت شهری بر بعد اوقات فراغت

T	درجه آزادی	سطح معناداری	ارزش میانگین آزمون = ۵/۵	
			اختلاف میانگین	فاصله ی اطمینان
-1.84	93	0.068	-0.36	-0.74 0.03

باتوجه به جدول فوق، نتایج آزمون t تفاوت میانگین با ۵/۵ را معنادار نشان نداد $P > 0.05$ ، $t = -1.84$ (سطح معناداری مشاهده شده برای آزمون از ۰/۰۵ کمتر بود).

برای بررسی توزیع سبک زندگی ایرانی اسلامی و ابعاد آن از آزمون کلموگروف اسمیرنف استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۲ آمده است.

چنانچه یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد نتایج آزمون کلموگروف اسمیرنف نشان داد که سبک زندگی ایرانی اسلامی و ابعاد آن به صورت نرمال توزیع شده اند. $p > 0.05$ (سطح معناداری برای متغیرهای فوق بیشتر از ۰/۰۵ بود) بنابراین برای توصیف متغیرهای فوق از میانگین و انحراف استاندارد و برای پاسخ به سوالات پژوهش از آزمونهای پارامتریک استفاده می‌شود.

برای مقایسه نقش مدیریت شهری در ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و ابعاد آن در وضعیت موجود و مطلوب از آزمون t جفت استفاده شد. نتایج در جدول شماره ۳ آمده است.

- میانگین سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن در وضعیت موجود در دامنه عددی ۲/۸۸ الی ۵/۱۴ و در وضعیت مطلوب در دامنه عددی ۸/۱ الی ۸/۶۹ بود. نتایج آزمون t جفت نشان داد که نقش مدیریت شهری در ترویج سبک زندگی اسلامی ایرانی و ابعاد آن در وضعیت موجود و مطلوب تفاوت معنادار دارند (سطح معناداری مشاهده شده برای سبک زندگی اسلامی و ابعاد آن از ۰/۰۵ کمتر بود). بیشترین تفاوت در وضعیت موجود و مطلوب برای مولفه « اخلاق » و کمترین تفاوت در وضعیت موجود و مطلوب برای مولفه « اوقات فراغت » بود.

برای پاسخ به این سوال که آیا مدیریت شهری بر بعد اخلاق سبک زندگی ایرانی اسلامی تاثیرگذار است آزمون زیر انجام شده است:

جدول ۶: نتایج آزمون t برای تاثیرگذار ی مدیریت شهری بر بعد فرهنگی

ارزش میانگین آزمون = ۵/۵					
T	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین	فاصله ی اطمینان ۹۵ درصد	
-6.01	93	.001	-0.96	-1.28	-0.64

نتایج پژوهش بیانگر این است که در وضعیت مطلوب شهرداری در همه ی گویه های مطرح شده در پرسشنامه دارای نقش می باشد اما در وضعیت موجود تحلیل های آماری نشان می دهد شهرداری تاکنون موفق به ایفای نقش در حوزه های مطرح شده در این پژوهش به صورت برجسته نشده است. البته از بین مولفه های مطرح شده در پژوهش در مولفه اوقات فراغت بالاترین نقش را ایفا کرده است. که این نکته طبیعی است چراکه اکثر فعالیت هایی که در حوزه اجتماعی شهرداری انجام می شود بیشتر با اوقات فراغت شهروندان در ارتباط است و این نشان می دهد که معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری منطقه ۵ در این مولفه از سبک زندگی که بیشتر به وظایف مرتبط است موفق تر عمل کرده است. در بعد فرهنگی دو مولفه اخلاق و اوقات فراغت مورد بررسی قرار گرفت. مولفه اوقات فراغت در اولویت بندی کل به عنوان مهمترین نقش شهرداری و دیگر مولفه این بعد یعنی اخلاق نیز به عنوان ضعیف ترین عامل شناخته شدند و کارشناسان معتقدند که در حوزه اخلاق شهرداری تاکنون اقدام تاثیرگذاری انجام نداده است.

۱. در بعد فرهنگی به نظر می رسد یکی از مهم ترین مسائلی که باید مورد توجه قرار گیرد توجه به کارهای عمیق و کیفی و تقویت محتواست چراکه پرننگ ترین آسیب مورد مشاهده در شهرداری و حتی در سایر سازمان ها توجه زیاد به کارهای کمی است. با انجام کارهای عمیق و کیفی می توان با حجم پایین تری از اقدامات نتیجه مطلوب تری دریافت کرد. توجه به آگاه سازی و معرفت دهی به عنوان یک وظیفه بسیار کلیدی که اگر به خوبی انجام شود می تواند در سایر حوزه ها نیز اثرگذار باشد. معرفت زمینه ساز ایجاد شوق درونی و در نتیجه انجام مشتاقانه ی عمل مطلوب است.

۲. اولویت دادن به آموزش رده های سنی پایین تر و آگاه کردن آن ها نسبت به روش های زندگی به سبک اسلامی ایرانی به ویژه در حیطه ی اخلاق و اعتدال، روابط اجتماعی و موضوعات فرهنگی.

۳. برنامه ها و سیاست های شهرداری در خصوص شکل دادن اصول اخلاقی شهروندان بایستی با برنامه ی

بیشتر بود. میانگین مدیریت شهری بر اوقات فراغت از ۵/۵ کمتر بود. که این تفاوت معنادار نیست. این یافته بیانگر این است که از دیدگاه پاسخگویان تأثیر مدیریت شهری بر بعد اوقات فراغت سبک زندگی ایرانی اسلامی در حد متوسط است. (بیشتر از متوسط نیست که معنادار بشود).

برای پاسخ به این پرسش که آیا مدیریت شهری به طور کلی بر بعد فرهنگی سبک زندگی ایرانی اسلامی تاثیرگذار است آزمون فوق انجام شده است.

باتوجه به جدول شماره ۶، نتایج آزمون t تفاوت میانگین با ۵/۵ را معنادار نشان داد $P < 0.05$ ، $t = -6.01$ (سطح معناداری مشاهده شده برای آزمون از ۰/۰۵ کمتر بود). میانگین مدیریت شهری بر بعد فرهنگی از ۵/۵ کمتر بود. که این تفاوت معنادار است. این یافته بیانگر این است که از دیدگاه پاسخگویان تأثیر مدیریت شهری بر بعد فرهنگی سبک زندگی ایرانی اسلامی معنادار نیست.

نتیجه گیری و پیشنهادات

مولفه اوقات فراغت به نسبت مولفه اخلاق در وضعیت مناسب تر و نزدیک به میانگین قرار دارد که این یافته با نتایج پژوهش ادریسی و پالیزبان (۱۳۸۸) همسوس است. آنان در پژوهش خود یافتند که سبک زندگی شهروندان تهرانی در حوزه اوقات فراغت بیشتر سنتی است و کمتر به تفریحات مدرن علاقمند هستند و از آنجا که سبک زندگی سنتی نسبت به سبک زندگی مدرن نزدیکی بیشتری با سبک زندگی اسلامی دارد می توان نتیجه گرفت که فعالیت های شهرداری در این مولفه از سبک زندگی اسلامی به این دلیل موفقیت آمیز بوده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که بعد فرهنگی ۰.۳۶ پایین تر از میانگین است که این یافته را پژوهش غفاری (۱۳۸۹) تایید می کند. وی در پژوهش خود نشان داد که افراد با وجود علاقه فراوان به مشارکت در فعالیت های فرهنگی و اخلاقی انجام شده از سوی شهرداری، عملاً مشارکت کمتری در این فعالیت ها دارند که شاید دلیل کم رنگ بودن نقش شهرداری در این حوزه در واقع عدم مشارکت شهروندان در آن باشد.

شناختی ... (به دلیل علاقه و نیاز وافر مردم به موضوعات تربیتی و روانشناسی و استقبال آن‌ها از اینگونه دوره‌ها می‌توان با استفاده از مربیان و اساتید متخصص در حیطه‌ی تربیت دینی و آگاه به سبک زندگی اسلامی- ایرانی، به ترویج فرهنگ زندگی اسلامی- ایرانی با کار تربیتی در حیطه‌ی خانواده پرداخت) لامی ایرانی گام بردارد.

منابع و ماخذ

آزادارمکی، تقیوشالچی، وحید. (۱۳۸۴). *دوجهان ایرانی، مسجدوکافی شاپ*، فصل نامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، تهران: انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره ۲۰.

اباذری، یوسف علی وچاووشیان، حسن. (۱۳۸۱). *ازطبقه بندی تاسبک زندگی، رویکردهای نوین درتحلیل جامعه شناختی هویت اجتماعی*، مجله نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.

ادریسی، افسانه وپالیزبان، سمانه. (۱۳۸۸). *خدمات شهری شهرداری وسبک زندگی شهروندان*، نامه پژوهش فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره ششم.

اکبرزاده ابراهیمی، محمدحسن. (۱۳۸۶). *رشدگردشگری محلی توسعه گردشگری شهری*، مجله شهرداری‌ها، شماره ۷۸، قابل دسترسی در www.shahrsazi-mhud.ir

انوری، مینا و نساچ، مینا. (۱۳۷۸). *گردشگری شهری وآثارآن بر سیمای شهر وفضای شهری*، قابل دسترس در (www.archnoise.com)

بهشتی، سعید (۱۳۸۶). *آیین خردپرووری*. تهران: موسسه فرهنگی دانش واندیشه معاصر.

تاج الدین، محمدباقر. (۱۳۹۳). *مدیریت شهری وسبک زندگی*، تهران: تیسرا

دهخدا، علی اکبر. (۱۳۳۹). *لغت نامه، زیر نظر دکتر محمد معین*، تهران: دانشگاه تهران

ذاترثابت، فروغ و میرزایی، الناز. (۱۳۹۱). *بررسی وشناخت عوامل اجتماعی موثر برچگونگی گذران اوقات فراغت خانواده‌های شهرتهران*، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، شماره ۳.

ربانی، رسول و شیرینی، حامد (۱۳۸۸). *بررسی جامعه شناسی الگوی‌های گذرات اوقات فراغت جوانان در تهران*، مجله تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸.

سایر ارگان‌ها مانند رسانه، مطبوعات، مراکز آموزشی و پژوهشی و نهادهای فرهنگی، موسسات دینی، حوزه‌های علمیه و احزاب هماهنگ و همراستا باشند لذا پسندیده است اگر جلساتی با حضور نمایندگان همه‌ی ارگان‌های نامبرده جهت تدوین یک طرح فراگیر در حوزه اخلاق برگزار شود و شهرداری می‌تواند داوطلب و پیشنهاد دهنده‌ی برگزاری این جلسات باشد و پس از هماهنگی در تصمیمات و برنامه‌ها توسط همه‌ی نهادهای ذیربط به اجرا گذاشته شود. همچنین جهت کسب نتایج بهتر پیشنهاد می‌شود طرح بلندمدتی جهت آسیب شناسی و شناسایی رفتار، اعمال، افکار، برنامه‌های و فعالیت‌های ضدارزشی در هر منطقه‌ی شهرداری انجام شود تا کار ترویج مکارم اخلاقی با زیربنای محکم تری انجام شود. شهرداری هر منطقه می‌تواند با راه اندازی وبلاگ و تشویق جوانان به عضویت در این فضاها، آسیب‌های فکری و فرهنگی جوانان را کشف نماید.

۴. الگوهای گذران اوقات فراغت به روشنی می‌تواند سبک زندگی انتخابی افراد و ریشه‌های معرفتی آن را نمایان سازد (فاضل قانع، ۱۳۹۲) در این راستا ورزش نیز در بسیاری موارد به مثابه آینه‌ی فعال ویژگی‌های اخلاقی رایج در جامعه را به نمایش می‌گذارد به همین دلیل تأمل در آن می‌تواند به مدیران شهری جامعه، به منظور شناسایی نقاط قوت و ضعف اخلاقی مردم کمک خوبی کند. یکی از نمونه‌هایی که به خوبی رابطه جهان بینی و نظام ارزشی را با ورزش نشان می‌دهد، ورزش زورخانه‌ای است مولفه‌های موجود در این ورزش کاملاً متأثر از باورها و ارزش‌های دینی است. در این ورزش در کنار تقویت جسم به تقویت ایمان و اخلاق و بینش اجتماعی و سیاسی افراد نیز توجه شده است برخلاف آن ورزش یوگا در کشورهایی با اعتقادات و باورهای هندوئیسم و ورزش رزمی در کشورهایی با اعتقادات کنفوسیوسی یا سنتیوئیزی بیشتر مورد توجه است (شریفی، ۱۳۹۲) لذا پیشنهاد می‌شود شهرداری تهران با ترویج ورزش‌های زورخانه‌ای و ورزش‌های سفارش شده در اسلام مانند اسب سواری شناو تیراندازی و تسهیل شرایط برای علاقه مندان در راساتای ترویج سبک زندگی اسلامی گام بردارد.

۵. برگزاری کلاس‌های دوره‌ای با برنامه ریزی منسجم با موضوع تربیت دینی فرزندان و آموزش مهارت‌های فرزندپروری شامل مهارت‌های فردی، اجتماعی،

فروغی، علی وعسکری مقدم، رضا (۱۳۸۸). *بررسی میزان گرایش به خرافات در بین شهروندان تهران*، نشریه راهبرد، شماره ۵۳

کاوایی، محمد (۱۳۹۲). *سبک زندگی اسلامی و ابزارسنجش آن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مجدی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۹). *سبک زندگی جوانان ساکن شهر مشهد و رابطه آن با سرمایه فرهنگی و اقتصادی والدین*، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، پاییز و زمستان.

مرادمند، علی (۱۳۸۹). *کتاب و کتابخوانی از منظر قرآن*، فصلنامه کتاب، شماره ۸۱.

مرادی، اعظم و قلمکاریان، سید محمد و طاهری، صغری (۱۳۹۲). *عوامل موثر بر شادی از نگرش قرآن و روانشناسی*، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال نوزدهم، شماره سوم.

معیدفر، سعید (۱۳۹۲). *مدیریت شهری، فرهنگ عمومی و باورهای دینی*، تهران: تیسرا

Brunso, k., scholderer, j. and grunert, k. g (2004). closing the gap between values and behavior – a means-end theory and lifestyle. journal of business research, vol. 57, pp. 665-78.

Carl H. Becker (1924), Die Kanzel im Kultus des alten Islam, Islamstudien, I (Lipzig).

Carmine, E. G & Zeller, R. A. (1979), Reliability and Validity Assessment, Sage University Papers series on Quantitative Application in the Social Sciences, Beverly Hills.

Diez, E. (1918), Churasanische Baudenkmaler, (Berlin).

Herzfeld, E (1942) ; Damascus I, Ars Islamica,.

Hubacek, Klaus, and Guan Dabo, and Batua Anamika (). Changing lifestyles and consumption patterns in developing countries: A scenario analysis for China and India. White Rose Research Online.

Jensen, M. (2009). lifestyle: suggesting mechanisms and a definition from a cognitive science perspective, environ. Dev. Sustain, Vol. 11 No 1, PP. 215-28.

Lynch Kevin (1981), A Theory of City Form. Pacione, Michael, (2005), URBAN OGRAPHY: A GLOBAL PERSPECTIVE, Routledge

Kilicbay, Baris, and Mutlu Binark. (2002). Consumer Culture, Islam and the Politics of Lifestyle. European Journal of

رفت جاه، مریم. (۱۳۹۰). *فراغت و ارزش‌های فرهنگی، فصل نامه علمی پژوهشی تحقیقات فرهنگی*، دوره چهارم، شماره ۱.

رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۷). *توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

ساروخانی، باقر و میرزایی ملکیان، محمد (۱۳۹۰). *رابطه بین نحوه گذران اوقات فراغت و هویت ملی جوانان شهر تهران*، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی ایران، سال اول، شماره دوم، ص ۱-۲۸

سرچاهی، احمد. (۱۳۸۸). *اعتدال در زندگی از منظر قرآن وحدیث*، کمیته ارزشیابی تحصیلات حوزوی خراسان.

شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲). *سبک زندگی اسلامی ایرانی*، تهران: آفتاب توسعه

شیخ زاده، حسین (۱۳۸۶). *کنش‌های متقابل نهادشوراها و فرهنگ عمومی*، ماهنامه اطلاع رسانی، آموزشی پژوهشی شوراها، شماره ۱۶.

شریفی، احمد حسین و همکاران (۱۳۹۱). *همیشه بهار (اخلاق و سبک زندگی اسلامی)*، قم: دفتر نشر معارف.

صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۲). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*، تهران: انتشارات ققنوس.

عظیمی، علی (۱۳۹۰). *اعتدال و میانه روی در زندگی*، قابل دسترسی در (<http://www.maarefquran.com/images/farsi/maqaaleShenasi/1285.pdf>)

علی احمدی، امید (۱۳۹۲). *مدیریت شهری و خانواده*، تهران: تیسرا

عیوضی، غلامحسین (۱۳۹۱). *مبانی سبک زندگی مومنانه با نگاهی به مکاتب مادی با تاکید بر اقتصاد*، فصلنامه مطالعات سبک زندگی، شماره ۲.

غلامی نیا، عبدالحمید (۱۳۸۸). *تاثیرات انسان شناسی بر اخلاق شهروندی*، فصلنامه دین و سیاست، دوره ششم، شماره ۲۱، ص ۱۶۱-۱۷۱

فاضل قانع، حمید (۱۳۹۲). *سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (بارویکرد رسانه ای)*، قم: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های اسلامی.

- Communication. 17 (4):495-511.
Richard Ettinghausen and Oleg Grabar (1994), The Art and Architecture of Islam, (New Haven and London).
Sandikci, Ozlem, and Ger Guliz. (2007). constructing and representing the islamic consumer in turkey. Fashion Theory, Volume 11, Issue 2/3, pp 189-210.

یادداشت‌ها

- ¹ weber
- ² Giddings
- ³ Veblen
- ⁴ Bourdieu
- ⁵ Peaterson
- ⁶ Chapin
- ⁷ Chapman
- ⁸ Feathrston
- ⁹ Lash & Urry
- ¹⁰ Addler
- ¹¹ Chapin
- ¹² Chapman
- ¹³ Feathrston
- ¹⁴ Lash & Urry
- ¹⁵ Jensen
- ¹⁶ Palumets
- ¹⁷ Little
- ¹⁸ Donoghoe
- ¹⁹ Meheus
- ²⁰ Rex
- ²¹ Globardes
- ²² Heiman